



نسخه از شفا بخش از قرآن و سنت

تأليف: ابن قيم جوزية

اختصار: دکتر احمد بن عثمان المَزِيد

ترجمه: دکتر جمال الدین علی خواجه پساوه‌ئی

ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر ۶۹۱-۷۵۱ ق.
الداء و الدواء، فارسی. برگزیده مختصر الداء و
الدواء. فارسی.

نسخه ای شفا بخش از قرآن و سنت / ابن قیم
الجوزیه/اختصار احمد بن عثمان المزید؛ ترجمه
جمال الدین علی خواجه پساوه ای.

مشهد: حافظ ابرو، ۱۳۹۳

۱۵۶ص.

۸-۶۹-۵۸۳۷-۶۰۰-۹۷۸

فیبا:

کتاب حاضر ترجمه کتاب: مختصر الداء و الدواء
احمد بن عثمان مزید است که خود خلاصه ای از
کتاب الداء و الدواء تالیف ابن جوزیه می باشد.

علی خواجه پساوه ای، جمال الدین
۱۳۶۳ مترجم.

مزید، احمد بن عثمان.

اخلاق اسلامی - متون قدیمی تا قرن ۱۴.

گناه (اسلام).

۱۳۹۳ ۲۰۳۲۱۷ ۲۰۴۲۵ الف/۵/ BP۲۴۷

۲۹۷/۶۱

۳۷۴۶۲۰۰

سر شناسه

عنوان قراردادی:

عنوان و نام پدید آورنده

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

شناسا روده

شناسه افزوده

موضوع

موضوع

رده بندی مگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی

نسخه ابن قیم با نشر از قرآن و سنت

اثر: امام ابن قیم الجوزیه

مترجم: دکتر جمال الدین علی خواجه

ناشر: حافظ ابرو

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴

تیراژ: ۳۰۰۰

قیمت: ۴۸۰۰ تومان

صفحه: رقعی ۱۵۶

شابک: ۸-۶۹-۵۸۳۷-۶۰۰-۹۷۸

مرکز بخش:

تایباد - خیابان جامی غربی - کتابفروشی سنت

تلفن: ۵۴۵۳۵۳۱۰ - ۰۵۱

همراه: ۰۹۱۵۱۲۶۱۳۹۹

فهرست مطالب

۷	مقدمه مترجم
۱۱	عده اختصار کننده
۱۵	مقدمه مؤلف
۲۰	فصل اول: دعا؛ مندرجین دارو
۲۱	فصل دوم: برخی منافع تأییدش دعا
۲۲	فصل سوم: حضور قلب در دعا
۲۵	فصل چهارم: شروط دعای مقبول
۲۶	فصل پنجم: تفاوت گمان نیک با غرور
۲۹	فصل ششم: فریب خورده ترین مردم
۳۱	فصل هفتم: تفاوت امید و آرزو
۳۵	فصل هشتم: پیامدهای گناهان بر امت های پیشین
۴۱	فصل نهم: آثار گناهان بر قلب و بدن
۵۳	فصل دهم: حدیثی مهم در رابطه با پیامدهای گناهان
۶۰	فصل یازدهم: برخی آثار گناهان در زمین
۶۱	فصل دوازدهم: برخی دیگر از پیامدهای گناهان
۸۳	فصل سیزدهم: مجازات های شرعی

فصل چهاردهم: تأملاتی در برخی پیامدهای گناهان	۸۴
فصل پانزدهم: اقسام گناهان	۹۲
فصل شانزدهم: گناهان صغیره و کبیره	۹۴
فصل هفدهم: شرک و اقسام آن	۹۶
فصل هجدهم: شرک در عبادت	۹۹
فصل نوزدهم: شرک در کردار و گفتار و اراده و نیت	۱۰۲
فصل بیستم: حقیقت شرک	۱۰۴
فصل بیست و یکم: گمان بد به خدا ﷻ	۱۰۶
فصل بیست و دو: سخن گفتن بدون علم درباره خدا ﷻ	۱۰۸
فصل بیست و سوم: گناه زنا	۱۰۹
فصل بیست و چهارم: گناه زنا	۱۱۳
فصل بیست و پنجم: مدخل‌های چهارگان گناهان	۱۱۵
فصل بیست و ششم: پیامدهای زنا	۱۲۱
فصل بیست و هفتم: اسباب عاقبت بد	۱۲۵
فصل بیست و هشتم: گناه لواط	۱۲۸
فصل بیست و نهم: درمان شهوات	۱۲۹
فصل سی‌ام: شرک در محبت	۱۳۵
فصل سی و یکم: انواع محبت	۱۳۸
فصل سی و دوم: اقسام محبوب	۱۳۹
فصل سی و سوم: محبت به خدا ﷻ و رسولش ﷺ؛ اساس اعمال دینی ..	۱۴۲



- فصل سی و چهارم: تفاوت میان محبت ستایش شده و محبت زیان آور. ۱۴۴
- فصل سی و پنجم: ضرر عشق به صورت ها ۱۴۵
- فصل سی و ششم: داروی عشق به صورت ها ۱۴۸
- فصل سی و هفتم: اسباب لذت و شادی و سرور کامل ۱۵۱
- فصل سی و هشتم: محبت ورزی به همسر ۱۵۴

www.ketab.ir

مقدمه مترجم

إِنَّ نَحْمَدُ اللَّهَ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَ مِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَده لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ﷺ.

گناهان، آثار و پیمدهای شومی دارند که به فرد و جامعه و حتی حیوانات و گیاهان آسیب می‌رساند. از جمله این آثار: ایجاد فاصله میان بنده و پروردگار، محرومیت از نعم و روزی مقدر، نابودی بینش درونی، بی‌برکتی عمر و خشکسالی است. چون بیماری گناه، سلامت جسم و جان و سعادت دنیوی و اخروی را هدف قرار می‌دهد. از سایر بیماری‌ها که فقط به جسم زیان می‌رسانند، به مراتب خطرناک‌تر است. به عنوان نمونه، گناه چشم‌چرانی می‌تواند عشق را در قلب صاحبش بیندازد که در آغاز، آسان و شیرین است؛ اما در ادامه حیرانی و اندوه به بار آورده و اگر لطف خداوند ﷻ شامل حال عاشق نشود، پایانش به مرگ خواهد انجامید. آیا برای این رنج و بیماری دشوار و گمراه‌کننده، درمانی وجود دارد؟

قرآن کریم شفابخش تمام رنج‌ها و بیماری‌هاست. خداوند متعال در

آیه ۸۲ سوره اسرا چنین می‌فرماید:

«وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا»

«و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می‌کنیم و [لی] ستمگران را جز زیان نمی‌افزاید.»

فرموده پیامبر اکرم ﷺ نیز، خداوند متعال هیچ دردی خلق نکرده، مگر اینکه دارویش را نیز آفریده است. دعا، از مفیدترین داروهاست که با وجود سرباط، از بیماری جلوگیری کرده و اگر بیماری حاصل شده باشد، آن را برطرف می‌سازد.

ابن قیم جوزیه که رسک دل‌هاست، در پاسخ به این سوال «علمای بزرگ و صاحب نظر، پیروان دین که خداوند از تمامی آنان خشنود باد، چه می‌گویند در مورد شخصی که مصیبتی گرفتار شده و می‌داند اگر این مصیبت به طول انجامد، دنیا و آخرتش را از دست می‌دهد؟ اگر برای رهایی از آن به هر روشی بکوشد، اما وضعیت بحرانی تر شود، برای نجات از آن چه چاره‌ای باید اندیشید؟ و راه کشف این چاره کدام است؟» نسخه‌ای شفابخش از قرآن کریم و سنت نبوی تجویز کرد که به کتابی مفصل تبدیل شده است. ابن قیم نامی بر نوشته‌های این نسخه انتخاب نکرده بلکه بر اساس روش معمول مفتیان، به سوالی که از وی شده، پاسخ داده است. این نوشته‌ها بعدها به صورت کتابی با نام «الداء و الدواء» یا «الجواب الکافی لمن سأل عن الدواء الشافی» چندین مرتبه چاپ و منتشر شده است. پس این نام‌ها، دو عنوان متفاوت برای یک کتاب هستند.

ترجمه پیش رو، ترجمه مختصر کتاب مذکور است که دکتر احمد بن عثمان المزید آن را به اختصار درآورده است.

شمس‌الدین ابو عبدالله، محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد بن حریر زرعی دمشقی، مشهور به «ابن قیم جوزیه» و ملقب به «طیب القلوب» است. علت شهر شدن وی به ابن قیم جوزیه این بود که پدرش ابوبکر بن ایوب، قیام - سیپرست - مدرسه جوزیه دمشق بود.

وی در هفتم ماه رجب سال ۶۹۱ هجری برابر با ۲۹ ژانویه ۱۲۹۲ میلادی، یعنی یک سال پس از بیرون راندن صلیبیان از سرزمین‌های اسلامی، در روستای زرع از توابع سوریه - ۵۵ مایلی جنوب شرقی دمشق - متولد شد. پدرش از علما و متفکران عصر خویش بود و در علم فرائض، تبحر خاصی داشت. ابن قیم در سنین کودکی هم فرائض را از پدرش آموخت. در هفت سالگی، برای کسب علم، به دمشق سفر کرد و در محضر علمای آن دیار، به شاگردی نشست.

ابن قیم دائره‌المعارفی زنده از علوم عصرش بود که در فقه و اصول و سیرت و تاریخ دارای تالیفات گرانسنگ و ارزشمندی است. وی، ذوق شاعرانه عجیبی نیز داشت و در لغت و نحو سرآمد زمانه بود. شمار تالیفات وی از شصت اثر نیز تجاوز می‌کند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به «زاد المعاد فی هدی خیر العباد»، «مدارج السالکین بین منازل ایاک نعبد و ایاک نستعین» و «اعلام الموقعین عن رب العالمین» اشاره کرد.

این دانشمند بزرگ، سرانجام در پنجشنبه شب ۱۳ رجب سال ۷۵۱ هجری در سن شصت سالگی از دنیا رفت.

در پایان، از خداوند تعالی سپاسگزارم که ترجمه این مختصر را برایم آسان نمود و از او می‌خواهم که با آن به مولف، مختصر، مترجم، ناشر و تمام خوانندگان فایده برساند و هر آنجا که ترجمه به خطا رفته است را بر من ببخشد. از تمام برادران و خواهران مسلمانی که این کتاب را خواهند خواند، تقاضا دارم مرا در دعای خویش به یاد آورند، زیرا اگر خدا بخواهد عاج برادر من ای برادر مومن در غیابش به اجابت می‌رسد.

مقدمه اختصارکننده

الحمد لله رب العالمین، والصلاة والسلام علی خاتم الأنبیاء والمرسلین، نبینا محمد وعلی آله ورحبه أجمعین.

بدون تردید خانواده، کانون اصلی پرورش و تربیت افراد است؛ و در این راه با چالش‌های فراوان و برعکس دوبرو می‌شود که این امر می‌طلبد از دانش و هدایت توشه برگیرد تا سرانجام با این چالش‌ها، راه راست را بیابد. پس دانش به طور قطع، یکی از مهم‌ترین مدانی بنای خانواده اسلامی به شمار می‌رود. بعلاوه تردیدی نیست که برکت و پایداری و عمق و شمول دانش پیشینیان از دانش متأخران بیشتر است؛ این رو، اندیشه این مجموعه ارزشمند که مشتمل بر شش کتاب به قرار دیل است، وجود آمد:

کتاب اول «مختصر ریاض الصالحین من کلام سید المرسلین» نام دارد. در این کتاب ارزشمند که خداوند قبول و انتشارش را مقدر فرموده، آیات قرآنی و احادیث نبوی مربوط به مهم‌ترین موضوعاتی که مورد نیاز خانواده اسلامی در امور دینی و دنیایی است - یعنی عقاید و رقائق و آداب

شرعی و احکام فقهی - قرار دارد؛ از این رو، همدم و همنشین خوبی است.

کتاب دوم «هدی محمد ﷺ» برگزیده «زاد المعاد»^۱ است که شامل ارشادات پیامبر اسلام - محمد ﷺ - در عبادات، معاملات و اخلاق است که مورد نیاز خانواده اسلامی بوده و می‌تواند از طریق آن راهنمایی شده و در رفتار از سنت پیامبر ﷺ پیروی نماید.

عنوان کتاب سوم، «مختصر حادی الأرواح إلى بلاد الأفراح» است که خانواده اسلامی با مطالعه آن، به بهشت برین مشتاق شده و به این رستگاری بزرگ - ششمی دوزد. در نتیجه اراده و عزم، جزم شده و انگیزه قلب برای دست‌یابی به این سعادت جاویدان تقویت می‌گردد.

کتاب چهارم «مختصر عدة الصالحين» نامگذاری شده است. این کتاب، شامل مطالبی است که خانواده بدان نیاز شدیدی دارد؛ زیرا در مسیر حرکت به سوی خداوند بلند مرتبه ﷺ انواع سختی‌ها و رنج‌ها مانند از دست‌دادن عزیز، یا زیان مالی روبرو می‌شود و ... من ترتیب، روزهای شادی و خوشبختی و سرور را پشت سر می‌گذارد بنده دوم. در اوقات سختی، شکیبایی و هنگام نعمت، سپاسگزاری می‌کند.

^۱ - این کتاب به خوبی و خوشی مورد قبول واقع شده، گونه‌ای که ۸۰۰۰۰۰ نسخه از آن به فروش رفته و به مهم‌ترین زبان‌ها ترجمه شده است. اشتیاق بسنده‌ای برای قراردادن این کتاب در مجموعه «مکتبة الأسرة المسلمة» و فروش آن با قیمتی تخفیف‌یافته با پشتیبانی اختصارکننده و چاپ‌کننده و ناشر در من ایجاد شده است و اینکه حقوقش برای تمام مسلمانان باشد تا توزیع آن در سراسر جهان آسان شود.

کتاب پنجم «مختصر الداء و الدواء» است که اهمیت زیادی دارد؛ زیرا گناهان و معاصی از بزرگترین اسباب فساد و ویرانی خانه و خانواده‌ها هستند؛ پس اختصار این کتاب مناسب بود تا خانواده اسلامی از افتادن در این آفات دوری کرده و آثار و پیامدهای بد آن بر فرد و خانواده و جامعه، بلکه بر ملت‌ها و ملت‌ها را به یاد داشته باشد.

عزیزان کتاب ششم «مختصر الفوائد» است که برای افراد خانواده اسلامی مناسب است؛ اما اوقات فراغت خویش را با آنچه نشاط‌آور و برطرف‌کننده خستگی است، پر کنند؛ زیرا این کتاب فوایدی نغز و مفاهیمی تازه دارد. خواننده می‌تواند هر آنچه را از این کتاب مورد پسندش واقع شد برگزیند.

این خلاصه‌ای است از این مجسمه عارفان و سمنان، از خداوند بلندمرتبه عز و جلاله می‌خواهم که با آن به مولف و آماده‌کننده و خواننده و هر آن کس که در نشر آن کمک کند، فایده برساند.

دکتر محمد بن عثمان المزید

مقدمه مؤلف

از شیخ امام ابو... الله ابن شیخ تقی الدین ابی محمد ابی بکر، معروف به ابن قیّم جوزیة سؤال شد:

علمای بزرگ و صاحب نظر، پیشوایان دین که خدا عزوجل از تمامی آنان خشنود باد، چه می گویند از مومنانی که به مصیبتی گرفتار شده و می داند اگر این مصیبت به طول انجامد، دنیا و آخرتش را از دست می دهد؟ اگر برای رهایی از آن به هر روشی بکوشد، اما وضعیت بحرانی تر شود، برای نجات از آن چه چاره ای باید اندیشید؟ و به کشف این چاره کدام است؟ خداوند عزوجل رحمت کند بر کسی که به مصیبت رفته ای یاری رساند، خداوند عزوجل به بنده اش یاری می رساند مادامی که او برادر [دینی] اش یاری رساند. خداوند شما را مشمول رحمت خویش قرار دهد، پاسخ این سوال را بفرماید.

شیخ رحمه الله در پاسخ چنین نوشت:

الحمد لله، اما بعد:

در صحیح بخاری از ابوهریره رحمه الله روایت شده که پیامبر ﷺ فرمود:

«مَا أَنْزَلَ اللَّهُ دَاءً إِلَّا أَنْزَلَ لَهُ شِفَاءً»^۱

«خداوند ﷻ هیچ دردی را خلق نکرده؛ مگر اینکه دارویش را نیز آفریده

است.»

در صحیح مسلم از جابر بن عبد الله آمده که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود:

«لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ؛ فَإِذَا أُصِيبَ دَوَاءُ الدَّاءِ بِرَأْيِ ذَنِ اللَّهِ»^۲

«رای هر درد و بیماری‌ای، دارو و درمانی وجود دارد؛ که هر گاه دارو

[به درستی] برسد، و بیماری برسد [بیمار] به اذن خدا ﷻ بهبود می‌یابد.»

مضمون این حدیث عام بوده و تمام رنج‌ها و بیماری‌ها و داروهای قلبی

و روحی و جسمی را در بر می‌گیرد. پیامبر ﷺ نادانی را بیماری و دارویش را

سوال از علما معرفی کرده است.

خداوند ﷻ، قرآن کریم را دواء از آفران داده است؛ زیرا می‌فرماید:

«وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَا بَشَرٌ فِيهِ نُذِيرٌ فَأَنْزَلْنَاهُ فِي عَرَبِيٍّ مُبِينٍ» (فصلت/ ۴۴)

«و اگر [این کتاب را] قرآنی غیر عربی گردانید، بودیم قطعاً می‌گفتند

چرا آیه‌های آن روشن بیان نشده کتابی غیر عربی و [بخاندن آن] عرب

زبان بگو این [کتاب] برای کسانی که ایمان آورده‌اند رحمت و درمانی

است.»

«وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْءَانِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (الاسراء/ ۸۲)

^۱- بخاری (۵۶۷۸).

^۲- مسلم (۲۲۰۴).

«و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می‌کنیم.»

«من» در آیه فوق، برای بیان جنس است، نه برای تبعیض؛ زیرا تمام قرآن شفاست، چنانکه در آیه پیشین فرمود. پس قرآن شفای دل‌ها از بیماری جهل و شک و گمان است و خداوند متعال ﷻ هیچ دارویی، معتر، بزرگتر و مفیدتر از آن برای از بین بردن بیماری، از آسمان فرو نفرستاده است.

در صحیحین از ابر عید روایت شده که گفت:

«انطلق نفر من أصحاب نبی ﷺ فی سفرة سافروها، حتی نزلوا علی حی من أحياء العرب، فاستضافوهم أبوا أن يضيفوهم، فلدغ سيد ذلك الحي، فسعوا له بكل شيء، لا ينفعه شيء، فقال بعضهم: لو أتيتهم هؤلاء الرهط الذين نزلوا علی حینا، لعله أن یكون عند بعضهم شيء، فأتوهم، فقالوا: یا أيها الرهط، إن سیدنا لدغ، وسعينا له بكل شيء، لا ينفعه شيء، فهل عند أحد منكم من شيء؟ فقال بعضهم: نعم، والله إنی لأتیی، ولكن والله لقد استضافناكم فلم تضيفونا، فما أنا براق حتی تجعلوا لنا جرة، فصالحوهم علی قطع من الغنم، فانطلق يتفل عليه ویقرأ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، فكأثما نسط من عقال. فانطلق یمشی وما به قلبه^۱، قال: فأوفوهم جعلهم الذی صالحوهم علیه، فقال بعضهم: اقتسموا، فقال الذی

^۱ - قلبه به معنای درد و علت است؛ نك: النهاية (۹۸/۴).

رقی: لا تفعل حتی تأتی النبی ﷺ فنذكر له الذی کان، فننظر بما یامرنا، فقدموا علی رسول الله ﷺ فذكروا له ذلک، فقال: وما یدریک أنها رقیة؟ ثم قال: قد أصبتم، اقتسموا، واضربوا لی معکم سهماً.^۱

«تعدادی از یاران پیامبر ﷺ در یکی از سفرهایشان رهسپار شدند تا به یکی از قبایل عرب رسیدند، از ساکنان آن قبیله خواستند آنان را مهمان کنند، ولی آنان از این کار سرباز زدند. [در این هنگام] ما، سرور و بزرگ آن قبیله را گریه می‌کردیم. هر کاری برای مداوایش انجام دادند، سودی نبخشید، یکی از آنان گفت: اگر نزد کاروانی که به اینجا آمده، بروید شاید چیزی نزد کسی از آنان باشد در نهان که نزدشان رفته و گفتند: ای کاروانیان، سرور و بزرگ ما گزیده شده است، هر چه برای مداوایش تلاش کردیم سودی نبخشید، آیا نزد کسی از شما چیزی است؟ [که برای درمان وی مفید واقع شود]؟ یکی از اصحاب گفت: بله، خدا ﷻ سوگند! بر او از دم خود خواهم دمید، اما از شما خواستیم که راه همان کنید، چنین نکردید! پس تا چیزی به ما ندهید برای وی دعایی نخواهیم کرد. در نتیجه در مقابل يك گله گوسفند به توافق رسیدند. آنگاه آن شخص (صحابی) رفت و بر او سوره «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» را می‌خواند و می‌دمید، ببال آن گویا آن شخص از ریسمان‌ها و بندها آزاد شد، و شروع به راه رفتن کرد. گویی هیچ عارضه و دردی احساس نمی‌کرد. آنان نیز بر آنچه به توافق

^۱- بخاری (۲۲۷۶)؛ مسلم (۲۲۰۱).

رسیده بودند عمل کردند. گروهی از اصحاب گفتند: آنها را تقسیم کنید، اما آن کسی که دم زده بود، گفت: هیچ کاری نمی‌کنیم تا نزد پیامبر اکرم ﷺ رفته و آنچه را اتفاق افتاده، برایشان بازگو کنیم و ببینیم چه دستوری به ما می‌دهد. چون نزد رسول خدا ﷺ آمده و ماجرا را برایشان تعریف کردند، فرمود: از کجا آگاه شدید و فهمیدید که با «سوره فاتحه» می‌توان دمید؟ سپس فرمود: کار درست و به جایی انجام داده‌اید، [بروید و گوسفندان] را تقسیم کنید، ویتهم برای من کنار بگذارید.»

این دارو در این بیماری اثر کرد و آن را بگونه‌ای برطرف ساخت که انگار از اول نبود. این دارو، سه‌ترین و راحت‌ترین داروست، و اگر بنده‌ای، مداوا با سوره فاتحه را به خوبی انجام دهد، تأثیر عجیبی در درمان خواهد دید.

مدتی در مکه ماندم، بیماری‌هایی بر من چیر شد در حالی که پزشک و دارویی نیافتم، پس خودم را با فاتحه مداوا می‌کردم. تأثیر شگفتی از آن می‌دیدم. این کار را برای بیماران بیان می‌کردم و بسیاری از آنان [با این روش درمان] خیلی سریع بهبود می‌یافتند.

اما نکته‌ای در اینجا وجود دارد که باید نسبت بدان هوشیار بود. در آن اینکه اذکار و آیات و دعاهایی که با آنها طلب شفا شده و دم می‌شوند، به خودی خود فایده‌رسان و شفادهنده هستند، اما پذیرش محل (بیمار) و توان همت و تأثیر فاعل را می‌طلبد؛ از این رو، اگر بهبودی حاصل نشد،

به دلیل تاثیر ضعیف فاعل یا عدم پذیرش بیمار، یا به دلیل مانعی قوی است که جلوی تاثیر پذیری دارو را می‌گیرد.

ابوذر می‌گوید: به همان اندازه که نمک برای غذا لازم است، دعا برای کار خیر کافی است.

فصل اول: دعا مفیدترین دارو

دعا، از مفیدترین داروها و دشمن بلا و مصیبت است که آن را دفع و معالجه می‌کند، از نزولش بگوگویی کرده و اگر نازل شود آن را برطرف یا سبک می‌کند. دعا، سلاح مؤمن است.

انسان در برابر مصیبت سه حالت دارد

حالت اول: انسان از مصیبت قوی‌تر است که در این حالت آن را دفع می‌کند.

حالت دوم: انسان از مصیبت ضعیف‌تر است که در این حالت مصیبت چیره شده و انسان بدان گرفتار می‌گردد. اما دعا هر چند ضعیف باشد، مصیبت را سبک می‌کند.

حالت سوم: انسان و مصیبت در برابر یکدیگر ایستادگی کرده و هر یک، مانع دیگری می‌شود.